

## سیاست جنایی تقنینی ایران و عراق در جرائم اخلاقی مربوط به زنان با تاکید بر فقه امامیه

خدیجه حامدی<sup>۱</sup>

### چکیده

زنان به عنوان نیمی از بدنه ی جامعه انسانی نقش و جایگاه مهمی در هدایت و رشد جامعه بر عهده دارند، لذا انحرافات و جرائم اخلاقی آنان به مراتب آثار مخرب تری بر خانواده و جامعه خواهد داشت، از جمله مهمترین مصادیق جرائم اخلاقی را می توان در قالب هایی مانند جرم ارتباطات نامشروع، تظاهر کردن به عملکردهای حرام یا جریحه دار کردن عفت عمومی مشاهده کرد، بنابراین تأمل در سیاست های تقنینی در مواجهه با این نوع جرائم از اهمیت بسزایی برخوردار است چراکه عفت عمومی همواره از ارزش های مورد تأکید قانون گذار بوده است؛ از این رو با توجه به اشتراکاتی که در منابع و مبانی دو سیستم حقوقی ایران و عراق وجود دارد، در این نوشتار سعی شده است بر اساس روش توصیفی - تحلیلی به این سوال پاسخ داده شود که سیاست های جنایی تقنینی کشور عراق و ایران در تقابل با جرائم اخلاقی چگونه است؟ یافته های تحقیق نشان می دهد که یکی از نقاط اشتراک در دو سیستم حقوقی ایران و عراق در خصوص مقوله ی پیشگیری به معنای مجموعه سازوکارهای قانونی، جامعه شناختی، آموزشی، فرهنگی از تکرار جرم است، مانند جرم انگاری تحریک به فسق یا انجام فسق در راستای حفظ عفاف عمومی، هر چند در حیطة و محدوده اعمال منافای عفت در دو سیستم اختلافاتی نیز دیده می شود.

---

۱. دانش پژوه مقطع سطح چهار، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی تهران، ایران،  
kh90.hamedi@gmail.com

**واژگان کلیدی:** سیاست جنایی تقنینی، جرائم اخلاقی، جرم انگاری، منافی عفت، فقه امامیه.



## مقدمه

در هر سیستم حقوقی سیاست جنایی و تقنینی یکی از مصادیق حقوق جزا و جرم شناسی است که در معنای عام از سیاست جنایی شامل تدابیر و اقدامات پیشگیرانه همراه با مجازات های مترتب بر انجام جرم می باشد. از سوی دیگر، دسته ای از جرائم با عنوان جرائم اخلاقی در سیاست جنایی و تقنینی سیستم حقوقی عراق و ایران علاوه بر بیان مصادیق، مجازات های آن نیز مشخص شده است. در واقع، جرائم اخلاقی به گروهی از جرائم بر علیه عفت و اخلاق عمومی جامعه اطلاق می شود که بر ضد بدیهیات و ارزش های اخلاقی است. بنابراین با توجه به اینکه، از یک سو زنان، نیمی از افراد جامعه ایران و عراق را تشکیل می دهند و از سوی دیگر مبنای قوانین کشور ایران بر اساس فقه امامیه بوده و مبنای قوانین کشور عراق نیز به گونه ای است که عملاً خلاف شریعت را ناپسند می دانند، این موضوع از اهمیت بسزائی برخوردار است. در واقع عفت عمومی خصوصاً در رابطه با زنان از ارزش های مورد تاکید قانونگذار است که مبنای جرم انگاری علیه بی عفتی قرار می گیرد. به عنوان مثال، برخی جرائم بر علیه عفت عمومی مانند: زناکاری به شکل های مختلف، لواط، تفخیز، مساحقه، پورنوگرافی، انتشار تصاویر خصوصی افراد نیز می تواند از مصادیق این نوع جرائم قرار گیرد. لذا مجموعه اعمالی که ارزشهای اکثریت جامعه را تحت الشعاع قرار دهد و در حد ناهنجاری به میزانی برسد که جامعه برای آنها ضمانت اجرایی تعیین نماید، می تواند در زمره جرائم اخلاقی قرار گیرد. سیستم حقوقی ایران و عراق فارغ از تفاوت ها دارای نقاط اشتراک فراوانی است و یکی از این نقاط، جرم انگاری و سیاست جنایی قابل توجه هر دو کشور در قبال جرائم اخلاقی است. بنابراین می توانیم بر این نکته تاکید ورزیم که محدوده پژوهش حاضر در خصوص سیاست جنایی تقنینی عراق و ایران در جرائم اخلاقی در حیطه مقاله حاضر است. مضافاً اینکه به تحلیل سیاست های جنایی تقنینی و تبیین مهمترین مصادیق از جرائم اخلاقی با رویکرد تطبیقی و در پاسخ به سوال کیفیت سیاست های جنایی تقنینی کشور عراق و ایران در تقابل با جرائم اخلاقی می پردازیم؟ قبل از ورود به مبحث اصلی، ذکر دو نکته یکی به منزله پیش فرض و دیگری به منزله فرضیه ضرورتی انکارناپذیر دارد :



اول، سیاست جنایی تقنینی عراق و ایران در جرائم اخلاقی بر اساس مبانی حقوقی سیستم های هیات حاکمه کشور عراق و ایران در قالب بندی ابزارهای قدرتمند قانونی از قبیل: قانون اساسی، جزائی و آیین دادرسی کیفری و مجازات های مترتب بر جرائم اخلاقی قرار می گیرد. چنانچه می تواند با استفاده از ابزارهای قضایی همچون مجازات های جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی و ... انجام شود.

دوم، به نظر می رسد سیاست های جنایی و تقنینی در کشور مسلمان نشین عراق و ایران با همه اقسام خود مجموعه گسترده ای از جرائم بر ضد اخلاقیات عمومی را در بر بگیرند و این قابلیت را دارد که روش های ارتکاب و آثار مجرمانه را مورد بررسی قرار دهند.

#### تبیین مفاهیم محوری اعفاف و اخلاقیات عمومی

یکی از واژگان مرتبط با پژوهش حاضر، عفت و اخلاق عمومی است. در حقیقت، عفت، واژه ای است در مقابل شهوت پرستی و از زمره فضائل اخلاقی محسوب می شود. هرگاه سخن از جرائم اخلاقی به میان می آید، واژه عفت، در آن ظهور پیدا می کند. زیرا بخش وسیعی از اخلاقیات در حیطه جامعه و قانون، مباحث مربوط به عفت است و جرائم بر علیه آن، جرائم بر ضد عفت و اخلاق در عرصه عمومی نام می گیرد.

در حقیقت، به لحاظ لغوی، پدیداری حالت هایی است که در نفس به این شکل است که انسان را از غلبه یافتن شهوت باز می دارد، لذا فرد عقیف به فردی اطلاق می شود که واجد این ویژگی باشد. (معین، ۱۳۷۴، ص ۲۱۰)

اخلاق عمومی در حقیقت مجموعه قواعدی است که در قالب بندی زمان و مکان مشخص، توسط اکثریت یک جامعه، رعایت آن ضروری و لازم محسوب می گردد. یا حداقل عمل کردن به آن نیک شمرده می شود و در این حیطه، دارای ضمانت اجرای کافی نمی باشد. اگرچه مقررات وضع شده که در حیطه اخلاقی هستند، دارای ضمانت اجرا می باشند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۵۳۱)

لذا عفاف و اخلاقیات عمومی، ارتباط تفکیک ناپذیری از



یکدیگر داشته و در واقع لازم و ملزوم یکدیگر می باشند به این معنا که آنچه در زنان در هر زمان و مکان و هر کشوری معنای ارزشمند و نقش قابل توجهی را ایفا می نماید، عفاف و ایجاد مقدمه برای اخلاقیات عمومی است.

### ۳. جرائم منافی با عفاف

جرم های منافی عفت می توانند در قالب مجموعه عملکردهایی که با ارزش های مقبول یک جامعه اخلاقی در تضاد باشد قرار گیرد. به طوری که ارتکاب آن، نوعی تجاوز به این دسته از ارزش های اخلاقی و اجتماعی است که از سوی مردم قابل احترام است. لذا به طور کلی به اعمال منافی عفت چنین تعریفی داراست: امور جنسی به این معنا است که به صورت وسیع بر اساس عرف و احساسات یک جامعه، به گونه ای شرم آور باشد و اگر به علت انجام موافقه یا شروع به انجام آن انجام نشود در همین حد باقی می ماند و در صورتی که با هدف موافقه یا شروع آن انجام شود، در واقع، هتک ناموس یا شروع در هتک ناموس خواهد بود و در حقیقت، منافی عفت به آن اطلاق نمی شود. لذا شروع به جرم هتک ناموس و جرم منافی عفت بر اساس هدف فرد مرتکب، معین می گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۵۵۳۳)

از این رو، اعمال ضد اخلاقی و بر علیه عفت نسبت به قانون، مورد منع قرار گرفته است و مهمترین ملاک تمییز و تشخیص آن بر اساس قواعد فقهی و نظریات حقوقی به شرح ذیل است:

اول اینکه، هرگاه مسائل مربوط به امور جنسی که نشأت گرفته از غرائز افراد است را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهیم، مهمترین سوالی که ذهن ما را به خود مشغول می سازد آن است که چگونه و با چه معیارهایی می توان مجموعه عملکردهای جنسی مشروع و مجاز را از عملکردهای جنسی منافی عفت و اخلاقیات عمومی تشخیص و تمییز داد.

در جهت پاسخگویی به این پرسش با توجه به دیدگاه های متخصصان در عرصه های روانشناسی و علوم اجتماعی می توان به این پاسخ دست یافت که در وهله اول، در تمامی جوامع بشری، اعم از جوامع ابتدایی و جوامع پیشرفته و در حال رشد، ارضای

تمایلات جنسی بین دو جنس مخالف، صرفاً در حیطه شرایط مجاز و محدوده آداب و رسوم ناشی از طرز تلقی اکثریت افراد جامعه، قابل قبول است و به طور کلی در هیچ جامعه ای، ایجاد شدن ارتباطات بین زنان و مردان، بدون رعایت کردن موازین اخلاقی و عرف رایج آن جامعه، مجاز نخواهد بود و قابل پذیرش نیست. لذا ملاک و معیار تشخیص و تمییز اعمال ضد عفت و اخلاق عامه، امری نسبی است و از اخلاقیات، آداب و رسوم متعارف و عقاید اکثریت افراد جامعه پیروی می نماید.

### ۳. هتک ناموس و عرض

هتک ناموس به معنای آمیزش و رابطه جنسی یک مرد با یک زن در شرایطی که زن دارای رضایت باطنی و میل و رغبت به او نیست لذا به زور و بر خلاف اراده و میل او می باشد. به لحاظ قانونی، در صورتی که فرد، نیت هتک ناموس داشته باشد و این قصد یا نیت او اثبات شود، حتی بدون اینکه فرد تجاوز کننده برای این نیت خود، موفق نشود، با این وجود، مجازات هتک ناموس در او اجرا می گردد.

اگرچه به نظر می رسد با عنایت به اینکه، عملکرد زنا، عنوان ثانوی هتک ناموس است، با عنایت به ماده شصت و سوم قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۲۱ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ در واقع، دخول، شرط تحقق جرم مذکور است. به دیگر بیان: هتک ناموس، نوعی تجاوز جنسی محسوب می شود و این تجاوز جنسی می تواند با زنان و به صورت لواط با مردان باشد. عملکرد لواط در بسیاری از نقاط دنیا، نوعی هتک ناموس به حساب نمی آید ولی در کشور ایران و عراق، هتک ناموس محسوب می شود. به همین جهت در کتب لغوی حقوقی هتک ناموس به نوعی موافقه اطلاق می گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۶۱۳۷)

هتک عرض به معنای مجموعه ای از عملکردها یا اعمال مادی مخالف با اخلاق و آبروی افراد است به طوری که به صورت مستقیم بر روی فرد معینی انجام می گیرد. در این حیطه، بین اینکه آن فرد معین، زن باشد یا مرد باشد. و تفاوتی ندارد بین اینکه اناث و پاکی وی دارای صدمه شده باشد یا اینکه لکه دار شده باشد. مراد از تجاوز به عفت، هتک ناموس به عفت است و جنس مجنی علیه در





او تاثیر خاصی ندارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۶۱۳۸)

### مصادیق جرائم اخلاقی مربوط به زنان

مهمترین مصادیق جرائم اخلاقی در کشور ایران و عراق که در ارتباط با دخالت زنان به عنوان مجرم یا افراد مرتبط با این جرائم قرار می‌گیرد و یکی از ارکان تشکیل دهنده و به بیانی واضح تر یکی از عناصر مادی جرم های اخلاقی را تشکیل می‌دهد به گونه ای است که در گزاره های حقوقی این دو کشور با دارا بودن وجوه تشابه و تفاوت بیان شده است و تفصیل آن به شرح ذیل می‌باشد:

#### ۱. ارتباطات نامشروع

بر اساس ماده ششصد و سی و هفت قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) هرگاه زن و مردی که بین آنها ارتباط زوجیت وجود نداشته باشد به این معنا که آنها با یکدیگر عقد ازدواج منعقد نکرده باشند، مرتکب ارتباطات نامشروع یا اعمال منافی عفت که غیر زنا باشد، بشوند مانند تقبیل (بوسیدن) یا مضاجعه (هم آغوشی) بی تردید مجازات آنها به میزان نودونه ضربه می‌باشد و در صورتی که عملکرد مذکور همراه با اجبار یا عنف و اکراه باشد بی تردید، فرد اکراه کننده مورد تعزیر قرار خواهد گرفت.

چنانچه در قوانین عراق نیز این نوع ارتباطات در صورتی که با اجبار یا عنف و اکراه همراه باشد مجازات او زندانی شدن به میزان بیشتر از ۱۵ و حتی در برخی موارد ۲۱ سال زندان همراه با اعمال شاقه می‌باشد. (قانون العقوبات العراقی، ۱۹۶۹م، ماده، ۴۹۰)

#### ۲. تظاهر به عملکرد حرام یا جریحه دار نمودن عفت عامه

بر اساس ماده ششصد و سی و هشت قانون مجازات اسلامی، هر فردی به صورت علنی در انظار عمومی و اماکن عمومی و معابر به صورت تظاهر، به عملکرد حرام، ارتکاب ورزد، افزون بر مجازات عمل به مجازات زندان بین ۱۰ روز تا ۲ ماه یا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد. و اگر مرتکب عملکردی شود که نفس آن عملکرد، دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه دار کند، صرفاً به مجازات زندان بین ۱۰ روز تا ۲ ماه یا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

در تبصره همین ماده تظاهر زنان به صورت بدون حجاب شرعی در انظار عامه نیز مجازات زندان بین ۱۰ روز تا ۲ ماه یا پرداخت جزای نقدی بین ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال محکوم می گردند. چنانکه در قانون مجازات عراق به صورت اعمال منافی عفت و در صورت وادارکردن همراه با خشونت و تهدید باشد، مجازات او زندانی شدن به میزان ۱۲ سال و با اعمال شاقه خواهد بود و حداقل در برخی مواقع ۱۸ سال زندانی با اعمال شاقه را نیز متحمل خواهد شد. (قانون العقوبات، ۱۹۶۹م، ماده ۴۹۳)

### ۳. تشویق و ایجاد مراکز فحشا و فساد انگیز

بر اساس ماده ششصد و سی و نه قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، در حقیقت افرادی که مراکز فحشا و فسادانگیز را ایجاد یا اداره نمایند و یا مردم را به فساد و فحشا تشویق و ترغیب کنند یا مقدمات و موجبات آن را فراهم کنند، مجازات آنان، زندانی شدن به مدت ۱ سال تا ۱۰ سال می باشد. افزون بر این، در فقه امامیه که ماهیت معظم قوانین موضوعه ایران را تشکیل می دهد، در صورتی که بر عملکرد مذکور، قوادی کردن نیز صدق کند، مشمول مجازات قوادی نیز می شود.

### ۴. تولید محتواهای غیر اخلاقی، انتشار و توزیع محتویات مستهجن

تولید محتواهای غیر اخلاقی عبارتی دیگر از هرزه نگاری در حقوق کیفری ایران و عراق است. و این به معنای نشان دادن و تکثیر و انتشار صحنه های آشکار جنسی در یک قابل ادبی یا هنری به گونه ای است که موجبات پدیداری آثار مخرب زیادی بر عفت و پاکدامنی عمومی و اخلاق فردی و عمومی و همچنین بنیان خانواده ها را فراهم می سازد.

در قوانین کشور ایران به عنوان مثال، بر اساس ماده ششصد و چهل قانون مجازات اسلامی ایران، هر فردی محتواهای غیر اخلاقی را تولید، توزیع یا منتشر کند، به این معنا که نوشتن یا طرح یا نقاشی یا تصویرها یا در قالب فیلم ها و نوارهای سینمایی محتواهایی را تولید نماید که عفاف و اخلاقیات عمومی را جریحه دار نماید، مجازات او زندانی شدن به مدت ۳ ماه تا ۱ سال می باشد. افزون بر این، مجازات پرداختن وجوه نقدی به مبلغ ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال تا ۶ میلیون ریال و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق





محکوم می گردد و در این حین مجازات او می تواند بین این دو مجازات های مذکور باشد. این نحوه از مجازات ها شامل فردی که اشیاء مذکور را با هدف تجارت یا معاملات دیگر که شامل تحصیل مال از طریق کرایه دادن باشد نیز می شود. چنانچه در قوانین عراق نیز مشابه این تعریف و مجازات های شبیه به آن که مترتب بر آن است بیان شده است.<sup>۱</sup> (قانون مجازات عراق، ماده ۲۳۷)

##### ۵. مزاحمت تلفنی یا رایانه ای

در ماده ششصد و چهل و یک قانون مجازات ایران مصوب ۱۳۹۲ در حقیقت هر فردی است که به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر برای افراد ایجاد مزاحمت کند، افزون بر اجرای مقررات مخصوص شرکت مخابرات، فرد مرتکب شونده، به مجازات ۱ تا ۶ ماه محکوم می شود.

چنانکه ایجاد مزاحمت در گزاره های حقوقی عراق با عنایت به نوع و شرایط آن و در قالب های تلفنی یا رایانه ای مجازات زندانی شدن و پرداخت جزای نقدی را در بر دارد. (عبدالقادر، ۲۰۰۲، ص ۲۵)

##### راهکارهای قانونی در سیاست تقنینی کشور ایران و عراق

در تحلیل این راهکارها دو محدوده ذیل قابل توجه است: محدوده اول، عناصر اصلی جرائم اخلاقی مربوط به زنان و محدوده دوم، راهکارهای قانونی و مجازاتی مترتب بر جرائم اخلاقی مربوط به زنان که تفصیل آن به شرح ذیل است:

محدوده نخست: عناصر اصلی جرائم اخلاقی مربوط به زنان  
۱. رکن مادی، اولین و اساسی ترین رکن جرائم اخلاقی

رکن مادی یعنی قوام مادی تشکیل دهنده جرم اخلاقی در گزاره های قانونی ایران و عراق، در حقیقت، نفس افعال فرد مرتکب جرم اخلاقی است. توضیح اینکه آنچه که در زمینه فعل یا مجموعه

۱. « يعاقب بالحبس مدة لا تزيد على سنة وبغرامة لا تزيد على مائة دينار أو باحدى هاتين العقوبتين من يضاع يده بدون سبب قانوني على مال أو شخص رفعت يده عنه بمقتضى حكم قضائي ويجوز مضاعفة العقوبة اذا وقعت الجريمة باستعمال العنف.»

عملکرد های فرد مرتکب جرم اخلاقی بروز و نمود یافته است، همگی جزء افعال ایجابی و نه سلبی توسط فرد مرتکب می باشند که بخشی از عنصر یا رکن مادی این جرم است. به عنوان مثال، رکن مادی جرم زنا یا اعمال و ارتباطات نامشروع، نفس عملکرد زنا و رابطه نامشروع است.

بنابراین، می توان بر این نکته تاکید کرد که عنصر یا رکن مادی جرم رابطه نامشروع، اعمال و مجموعه رفتارهای مجرمانه مرتکبین جرم می باشد همچنین موضوع جرم و اوضاع و احوال و شرایط لازم برای تحقق جرم خواهد بود. لذا رکن مادی جرم رابطه نامشروع، از نوع فعل های مثبت است و لذا شامل هر نوع عملکردی می شود که عملاً منافات با عفت عمومی دارد. و بنابراین، صرفاً تنها بودن زن و مردها در پارکها یا خودروها و نشستن دو نفر نامحرم در مقابل یا کنار یکدیگر یا با یکدیگر قدم زدن، عملاً قابلیت این را ندارد که به عنوان رکن مادی جرم اخلاقی مذکور تلقی شود.

به همین جهت در ماده ششصد و سی و هفتم قانون مجازات اسلامی ایران اعمال مثبت یعنی لمس کردن یکدیگر، مانند تقبیل و مضاجعه و موارد مرتبط با آن و مضاجعه یا همبستری بین زن و مرد از افعال مثبت است که رکن یا عنصر مادی جرم اخلاقی رابطه نامشروع را تشکیل می دهد.

بنابراین، نوع فعل در رکن مادی جرائم اخلاقی از نوع افعال مثبت است نه از افعال سلبی یا منفی. و افزون بر این، شرایط خاصی که برای تحقق جرم لازم است نیز باید موجود باشد. مانند: نبود علقه زوجیت، عدم مشروعیت رابطه، وجود رابطه جسمی بین زن و مرد مانند زنا یا تقبیل یا مضاجعه و هر آنچه که در این موارد است.

چنانکه در منابع حقوقی عراق، رکن مادی موسوم به «عنصر جسمانی» معرفی شده است. به این معنا که هر عملکرد منافی و مخل به عفت و نوعی هجوم ناشایست باشد و به صورت غیر اخلاقی و به شکل مستقیم در رابطه با بدن انسان و برهنگی آن باشد و ناظر به آزدن حیا و شرافت او باشد، عملاً رکن مادی جرم اخلاقی محسوب می شود. به عنوان مثال، آشکار کردن عورت، قراردادن آلت تناسلی بین ران های قربانی، عمل منافی عفت محسوب می شود. همچنین آمیزش جنسی بر خلاف فطرت به گونه

ای که عملاً به عفت او آسیب می‌رساند و موجبات رسوایی او می‌شود مانند دست زدن به عورت و اندام تناسلی فرد از مصادیق عذصر یا رکن مادی جرم است. (الزامات و قرارات کیفری سوریه، ش ۴۶۵، ۱۹۵۶)<sup>۱</sup>

۳. رکن معنوی، عبارتی دیگر از سوء نیت و انگیزه ارتکاب جرائم اخلاقی یکی از مهمترین ارکان جرم، وجود سوء نیت یا انگیزه مرتکب شدن جرائم اخلاقی است. نوع سوء نیتی که در جرم مطرح شده، در حقیقت، عمومیت دارد به این معنا که عملاً احتیاج نیست که سوء نیت خاصی مد نظر باشد بلکه سوء نیت، عام بوده و همین عمومیت کفایت می‌نماید.

لذا آنچه که در درون ذهن و نیت انسان برای ارتکاب اعمال خلاف عفت و اخلاق مشهود است، سوء نیتی است که او را به ارتکاب عملکرد خلاف مقررات اخلاقی و شرعی بر می‌انگیزاند. و این عبارتی دیگر از رکن معنوی برای ارتکاب جرم اخلاقی است که در هر دو سیستم حقوقی کشور ایران و عراق، مشهود است.

چنانکه در منابع قوانین عراق نیز، این رکن، تحت عنوان «القصد الجرمی» یعنی قصد یا نیت مجرمانه از انجام جرائم اخلاقی مطرح شده است. به این معنا که نیت عام یا قصد مجرمانه کلی نیز برای ارتکاب جرم اخلاقی، کفایت می‌کند یعنی مجرم باید از عملکردی که مرتکب می‌شود، آگاهی داشته باشد و عواقب آن

۱. الرکن المادي: يتألف من كل فعلٍ مغلٍ بالحیاء یعدّ هتکاً للعرض؛ أو من كل فعلٍ یقع علی جسم الإنسان المجني علیه، فكل فعل مغلٍ بالحیاء یمس جسم الإنسان وعورته مباشرةً ویخدش حیاءه وعرضه - ویغض النظر عن بساطته أو جسامته - حتی لم یحصل إیلاج؛ لأن هذا الجرم یتتم بمجرد الاتصال أو الملامسة شریطة أن یؤذیه فی عفته ویلحق العار به، وهذه بعض صور الأفعال: إن كشف العورة ووضع القضيب بین فخذی المجني علیه یشکل الفعل المنافی للحشمة. (نقض سوري بالقرار رقم / ۷۳۷ / لعام ۱۹۷۸).

لا ینحصر جرم الفعل المنافی للحشمة بأفعال المجامعة علی خلاف الطبیعة أو الإیلاج، وإنما یدخل فی دلالته كل فعل یقع علی شخص فی موضع یؤذیه فی عفته ویلحق العار به كملامسة العورة بالآلة التناسلیة، وما شابه ذلك من الأفعال التي تعدّ فی نظر المجتمع منافیة للحشمة

را نیز بخواهد. (قانون العقوبات العراقي، مادة ٤٩٣)<sup>۱</sup>

### ۳. رکن قانونی جرائم اخلاقی در قوانین ایران و عراق

منظور از رکن قانونی، وجود مواد قانونی در حیطه جرائم اخلاقی است. تفصیل رکن قانونی در قالب بندی محدوده مطالب ذیل با نگاهی تطبیقی بین قوانین موضوعه دو کشور مذکور بیان شده است.

محدوده دوم: راهکارهای مجازاتی مرتب بر جرائم اخلاقی مربوط به

زنان

در قانون مجازات ایران به طور کلی، در قالب حدود و تعزیرات در گزاره های قانونی خاصی بیان شده است. در ضمن هر یک از مجازات هایی که در این مبحث بیان می گردد، نقاط اشتراک و افتراق این گزاره ها در تقابل با گزاره های حقوقی قوانین موضوعه عراق مورد مذاقه قرار می گیرد. تفصیل این که در قانون مجازات اسلامی انواع مجازات های حدی که در واقع، انواع روش های اجرای مجازاتهای حدی است، عبارتند از:

۱. قتل (بر اساس ماده ۲۸۲<sup>۲</sup>، ۲۸۶<sup>۳</sup> و ۲۷۸<sup>۴</sup> و ۲۳۴ قانون مجازات

۱. القصد الجرمي: هذه الجريمة من الجرائم المقصودة التي تتطلب قصداً جرمياً عاماً. أي أن يكون الجاني عالماً بما يرتكبه من فعل وراغباً في نتائجه...

۲. « حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:

الف- اعدام

ب- صلب

پ- قطع دست راست و پای چپ

ت- نفی بلد»

۳. «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.»

۴. «حد سرقت به شرح زیر است:

الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.





اسلامی ایران، مجازات افساد فی الارض و لواط)  
 مشابه این مجازات برای کسی که به صورت عمد موجب  
 قتل کسی شود و این قتل بر اساس آتش سوزی عمدی صورت گیرد  
 در بند چهارم ماده ۳۴۲ قانون مجازات عراق، بیان شده است.<sup>۱</sup>  
 همچنین مجازات اعدام یا حبس ابد برای کسی که عملکرد او منجر  
 به مرگ انسان شود نیز در ماده ۳۵۵ قانون مجازات عراق، پیش  
 بینی شده است.<sup>۲</sup>  
 ۲. رجم (بر اساس ماده ۳۲۵ قانون مجازات اسلامی) این در  
 حالی است که در ماده ۳۷۷ قانون مجازات عراق، جرم زنا از سوی  
 زوج یا زوجه منجر به رجم نیست بلکه عقوبت حبس را در بر دارد.<sup>۳</sup>  
 ۳. حبس ابد (بر اساس ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی)  
 ۴. تازیانه (بر اساس ماده ۲۵، ۱۷۳، ۱۹۹، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰ و

- ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف  
 قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.  
 پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.  
 ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد»  
 ۱. «مادة ۳۴۲... ۴. وتكون العقوبة الاعدام او السجن المؤبد اذا افضى الحريق الى  
 موت انسان»  
 ۲. «مادة ۳۵۵:  
 ۱- يعاقب بالحبس وبالغرامة او باحدى هاتين العقوبتين كل من احدث عمدا تخريبا  
 او اتلافا بطريق عام او مطار او جسر او قنطرة او سكة حديدية او نهر او قناة  
 صالحين للملاحة.  
 ۲- وتكون العقوبة السجن المؤبد او المؤقت اذا استعمل الجاني المفرقات او  
 المتفجرات في ارتكاب الجريمة.  
 ۳- وتكون العقوبة الاعدام او السجن المؤبد اذا ادى ذلك الى كارثة او موت  
 انسان...»  
 ۳. «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان  
 اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه  
 چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است  
 و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هریک می باشد»  
 ۴. « مادة ۳۷۷  
 ۱- يعاقب بالحبس الزوجة الزانية ومن زنا بها ويفترض علم الجاني بقيام الزوجية ما  
 لم يثبت من جانبه انه لم يكن في مقدوره بحال العلم بها.  
 ۲- ويعاقب بالعقوبة ذاتها الزوج اذا زنا في منزل الزوجية...»

۲۳۴<sup>۱</sup> قانون مجازات اسلامی)  
 ۵. تراشیدن سر(در فقه به آن جَزَّ الراس گفته می شود)(بر اساس ماده ۲۲۹ قانون مجازات اسلامی)  
 ۶. تبعید کردن به مدت سه ماه تا یکسال(بر اساس ماده ۲۴۳ و ۲۲۹ قانون مجازات اسلامی)  
 افزون بر این نه مورد، در گستره فقه، جرائم ذیل دارای مجازات های مستوجب حد می باشند:

۱. زنا به عنف و لواط ایقابی
۲. رجم که گاهی منجر به قتل می شود و گاهی منجر به قتل نمی گردد که مجازات مرد و زن زانی محصن است..(شهید ثانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳۰)

جرائمی که مجازات های مستوجب تعزیر را در بر دارند عبارتند از:

- تراشیدن موی سر زن
  - درگیر شدن افراد مست با همدیگر
  - ظهور زمینه فساد در افراد
  - قوادی که حم به نفی بلد فرد قوَاد شده است
  - همخوابی زن و مرد نامحرم. همخوابی زن با زن یا مرد با مرد
  - بوسه شهوانی نامشروع
  - ازاله بکارت از راهی به جز آمیزش جنسی
  - آمیزش جنسی با حیوانات
  - خودارضایی(استمناء) (نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۴۱، ۶۴۴؛ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۷۵)
  - مجازات های مستوجب تعزیر عبارتند از:
  - زندانی شدن
- زندان شدن یا «حبس» در قانون مجازات اسلامی در ذیل

۱. « ماده ۲۲۸: در زنا یا محارم نسبی و زنا محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است.  
 ماده ۲۲۹: مردی که همسر دائم دارد، هرگاه قبل از دخول، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است.  
 ماده ۲۳۰: حد زنا در مواردی که مرتکب غیرمحصن باشد، صد ضربه شلاق است.»  
 و « ماده ۲۳۴- حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارابودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است.»



تعزیرات و مجازات های بازدارنده بیان شده است (ماده یک تا یازده قانون مجازات اسلامی) به عنوان مثال در جرائم ضد امنیت داخلی و خارجش کشور بر اساس ماده یک این قانون: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.» همچنین در ماده دو این قانون بیان می شود: «هر کس در یکی از دسته ها یا جمعیت ها یا شعب جمعیت های مذکور در ماده ۱ عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.»

افزون بر این در ماده سه قانون مجازات در مورد تعزیر جرم فردی که به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام فعالیت تبلیغی نماید در رابطه با میزان حبس آن بیان می کند: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.»

از سوی دیگر در ماده چهار بیان می شود: «هر کس نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالماً و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می شود.»

همچنین در ماده پنج این قانون بیان می شود: «هر کس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.»

از سوی دیگر در ماده ۶ این قانون نیز در مورد میزان حبس فردی که با قصد دزدی یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه وارد شود بیان می دارد: «هر کس به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذیصلاح در حال نقشه برداری یا

گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوع دستگیرشوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شوند. این در حالی است که مجازات فردی که تحریک کننده فرار، عصیان تسلیم یا عدم اجرای وظائف مربوط به رزمندگان یا خدام نیروهای مسلح هستند در ماده هفت این قانون به این شکل بیان شده است: «هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می‌شود و الاچنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه ساله حبس محکوم می‌شود.»

همچنین در رابطه با فردی که با هدف به هم زدن امنیت کشور اطلاعات مهم و طبقه بندی را با پوشش مسئولیتی خاصی در اختیار دولت های دیگر یا دیگران قرار دهد، در ماده هشتم این قانون مجازات آن به صورت حبس یا زندانی شدن معرفی شده است: «هر کس با هدف بر هم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.»

نه تنها جرم افراد مذکور به صورت تعزیرات مشمول حبس معین شده بلکه افراد مأمور که مسئول حفاظت اطلاعات کشور و دولت هستند اگر در انجام وظائف خود کوتاهی و بی مبالاتی کنند به طوری که عملاً در اثر بی مبالاتی و کوتاهی آنان، مورد تخلیه اطلاعاتی قرار گیرند، دارای مجازات حبس تحت ماده ۹ قانون مذکور قرار می‌گیرند: «چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده می‌باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند.»

چنانکه عضویت فرد در دستجات مفسدین یا اقدام کنندگان علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور و همکاری کردن با این گروه ها



نیز مجازات حبس تعزیری را در بر خواهد داشت و ماده ده قانون مجازات نیز بیان گر این امر است: «هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب بامأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.» چنانکه در ماده یازده این قانون نیز بیان شده: «هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.

مشابه این مجازات ها در قانون مجازات عراق نیز بر اساس نوع جرمی که فرد مرتکب می شود وضع شده است. به عنوان مثال جرم تشویق فرد صغیر به شرب خمر و تحریک او علاوه بر پرداخت جریمه سنگین، عقوبت زندانی شدن را نیز در بر دارد.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، به طور کلی، در قانون مجازات عراق نیز جرائم به سه دسته تقسیم شده اند: «الجرائم من حیث جسامتها ثلاثة أنواع: الجنایات والجنح والمخالفات. یحدد نوع الجريمة بنوع العقوبة الأشد

#### ۱. «مادة ۳۸۶:

۱- يعاقب بغرامة لا تزيد على عشرة دنانير من وجد في طريق عام او محل مباح للجمهور في حالة سكر بين بأن فقد صوابه او احدث شغباً او ازعاجاً للغير.  
 ۲- وفي حالة العود الى ارتكاب الجريمة خلال سنة من تاريخ صدور الحكم عليه تكون العقوبة الحبس مدة لا تزيد على شهر او الغرامة التي لا تزيد على عشرين ديناراً. وللمحكمة اذا ثبت لديها ان العائد مدمن على السكر ان تأمر بدلا من العقوبة المنصوص عليها في هذه الفقرة بايداعه احد المصحات التي تنشأ لهذا الغرض او احد المستشفيات الحكومية لمدة ستة اشهر ولها بناء على طلب الادعاء العام او المحكوم عليه ان تفرج عنه قبل انقضاء هذه المدة اذا تبين شفاؤه بتقرير طبي صادر من المصح او المستشفى.

#### مادة ۳۸۷

من حرض حدثاً لم يبلغ عمره ثمانی عشرة سنة كاملة على تعاطي السكر او قدم شراباً مسكراً لغير غرض مداواة يعاقب بالحبس مدة لا تزيد على عشرة ايام او بغرامة لا تزيد على عشرين ديناراً.  
 فاذا كان قد خدع المجنى عليه في نوع الشراب فتعاطاه على غير علم منه عوقب بالحبس مدة لا تزيد على شهر واحد او بغرامة لا تزيد على ثلاثين ديناراً

المقررة لها في القانون وإذا اجتمع في عقوبة جريمة ما الحبس والغرامة فيحدد نوع الجريمة بمقدار عقوبة الحبس المقررة لها في القانون.» (ماده ۲۳ قانون مجازات عراق)

در حقیقت، بازدارندگی به دو نوع بازدارندگی کلی و بازدارندگی خاص تقسیم می‌شود. بازدارندگی کلی یا عام در رابطه با هر دو سیستم قضایی ایران و عراق مشهود است. لذا می‌توان گفت به طور کلی خاصیت مجازات‌های مترتب بر جرائم مذکور، در سیستم قضایی ایران و عراق، بازدارندگی است و مجازات‌های مذکور در واقع، فی‌نفسه خاصیت بازدارندگی عام یا کلی را دارند.

با این وجود، بازدارندگی خاص، نوعی دیگر از بازدارندگی است که در واقع، جنبه فردگرایانه دارد، به این شکل که صرفاً به فرد مجرمی که کیفر را متحمل شده می‌نگرد. این در حالی است که بازدارندگی عام بر اساس دید جامعه محور و کلی، به تمام افراد جامعه می‌نگرد به طوری که امکان دارد که در آینده این احتمال وجود داشته باشد که افرادی بزهکار شوند به این عنوان که بازدارندگی عام با دید جامعه محور خویش، متوجه همه افراد جامعه است که می‌توانند بزهکاران احتمالی در آینده باشند.

اگرچه «برخی از نویسندگان بر این باورند که هیچ‌گونه تاثیر عام و خاص بازدارنده ای را نمی‌توان برای ضمانت اجراهای کیفری قائل شد و شاهد مدعای آنان نیز عدم کاهش نرخ بزهکاری متعاقب اعمال مجازات‌هاست. بر این اساس این گروه بر این اعتقادند که میزان سرسام آور ارتکاب جرم و بویژه نرخ افزون تر تکرار جرم، بیانگر عدم توفیق مجازات یا تهدید به مجازات در تقلیل بزهکاری در سطح جامعه است و همین امر باعث دروغ پنداشته شدن تئوری مذکور از سوی عده ای از دیدگاه تاریخی و منطقی شده است. به طوری که به عنوان نمونه نویسندگان مکتب تحقیقی بیان داشته اند که مجازات نه موجب ارباب مجرم است و نه تاثیر اربابی بر دیگران دارد.» (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۸۷-۸۸)

آنچه که مبرهن است در قانون قدیم مجازات یعنی قانون مجازات (مصوب سال ۱۳۷۰) صراحتاً در گزاره ای از این قانون، مجازات‌هایی موسوم به «مجازات‌های بازدارنده» بیان شده و این ماده صراحتاً در تعریف این نوع مجازات‌ها بیان داشت: «مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از سوی حکومت به منظور



حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد. از قبیل: حبس، جزای نقدی، تعطیلی محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع اقامت در نبطه یا نقاط معین یا مانند آن.» (ماده ۱۷)

در این حیطة، گونه ای از تدابیر پیشگیرانه در جهت جلوگیری از ارتکاب چنین جرائمی موجود است که مهمترین آن عبارتند از:

#### ۱- اعطای مشارکت به مردم جهت پیشگیری از جرائم اخلاقی

منظور از اعطای مشارکت به مردم در حقیقت، شرکت دادن مردم و کمک گرفتن از آنها برای پیشگیری کردن از جرائم و بزهکاری ها است. و همچنین مجازات و محاکمه محکومین کیفری به شکل مستقل یا همراه با نهادهای دولتی است. همبستگی نهادهای مردمی و شهروندان با هیات حاکمه و دولت در حیطة ماهیت، رسالت و اهداف جنایی و سیاسی و مشارکت آنها در مراحل تدوین قانون و اجرایی کردن آن، همچنین مشارکت کردن در قانونگذاری و تعیین کردن خط مشی های کلی در مجموعه فرآیند های قضائی و غیر قضائی و در اجرای محکومیت به معنای مشارکت داشتن در مجازات با هدف بازدارنده کردن جرائم و پیشگیری کردن از تکرار و وقوع جرائم همچنین اصلاح بزهکاران است. (احمدیان راد، ۱۳۹۰، ص ۷۴۶۹).

#### ۲- وضع و تصویب قوانین خاص بازدارنده

با عنایت به رسالت قوه مقننه در وضع و تصویب قوانین خاص بازدارنده با عنایت به چهارچوب و اصول راهبردی سیاست جنایی، همان شکلی که مجلس خبرگان در قانون اساسی وضع و پیش بینی نموده است، این قوه وظیفه وضع و تصویب قوانین را دارد لذا نوع جهت گیری و ابزارهای سیاست جنایی توسط آن مشخص می شود. به بیانی دیگر، انتخابات سیاسی علمی و خطوط استراتژی کلی سیاست های جنایی در مرجع تقنین معین می گردد. لذا بیان کننده سیاست جنایی و تقنینی کشور می باشد که می تواند به پیشگیری از جرائم اخلاقی کمک های شایانی نماید.

چنانکه در گزاره های حقوقی عراق نیز قوانین بازدارنده در این عرصه، وضع و تصویب شده است و به صورت جنایت یا جنحه نیز



تقسیم و باب بندی شده است.<sup>۱</sup> (قانون العقوبات العراقي، ۱۹۶۹م، ماده ۱۳۹)

**وجود الگوهای مبتنی بر پیشگیری از جرائم اخلاقی**  
مهمترین الگوهای مبتنی بر پیشگیری از جرائم اخلاقی می تواند در حیطه های ذیل باشد:

### ۱. پیشگیری انفعالی یا منفعل

این نوع از پیشگیری که یکی از متداولترین روش های پیشگیری از جرایم است، مورد توجه صاحب نظران حوزه جرم شناسی قرار دارد. در پیشگیری انفعالی، برخی از اقدامات معمول و رایج پیش گیرنده (از جرم و بزه) از نوع هشدار و بازدارنده مثل «هشدارهای پلیسی» صورت نمی گیرد، بلکه در یک انتظار انفعالی برای تأثیر این اقدامات باقی میمانند، به گونه ای که در این نوع از پیشگیری، عوامل اجتماعی (پیشگیری اجتماعی) هیچگونه تأثیری ندارد و در این بین کوچکترین نقش از خود ایفا نمی کند. نقش نهادهای بازدارنده از جرایم (پلیس، مراجع قضایی و ...) در این میان بسیار کم رنگ است. (زینالی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲)

### ۲. پیشگیری فعال

در پیشگیری از نوع فعال، سازمان هایی چون پلیس، محور اصلی پیشگیری هستند که برای اجتناب و دوری از وقوع جرایم وارد عمل می شوند و در سطح اجتماعی نیز فعال هستند. به عنوان مثال برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان به عهده

۱. يعتبر عائدا: اولا - من حکم عليه ن هائيا لجناية وثبت ارتكابه بعد ذلك وقبل مضي المدة المقررة لرد اعتباره قانونا جنایة أو جنحة. ثانيا - من حکم عليه ن هائيا وثبت ارتكابه بعد ذلك وقبل مضي المدة المقررة لرد اعتباره قانونا اية جنایة أو جنحة مماثلة للجنة الاولى. وتعتبر الجرائم المبينة في بند واحد من كل من البنود التالية متماثلة لغرض تطبيق احكام هذه الفقرة ۱- جرائم الاختلاس والسرقة والاحتيال وخيانة الامانة واغتصاب الأموال والسندات والتهديد واخفاء الاشياء المتحصلة من هذه الجرائم أو حيازتها بصورة غير مشروعة. ۲- جرائم القذف والسب والاهانة وافشاء الاسرار. ۳- الجرائم المتعلقة بالآداب العامة وحسن الأخلاق. ۴- جرائم القتل والإيذاء العمد. ۵- الجرائم العمدية التي يضمنها باب واحد من هذا القانون. ثالثا - لا يعتد بالحكم الأجنبي في تطبيق أحكام هذه المادة إلا إذا كان صادراً في جرائم تزيف أو تقليد أو تزوير العملة العراقية أو الاجنبية» (مادة ۱۳۹)



گرفته می‌شود که در معرض انحراف، در زمان و مکان خاصی قرار دارند. در این میان نقش نهادهای بازدارنده از جرم و بزهکاری نیز بسیار مشهود است. در این نوع از پیشگیری، برنامه‌ریزی‌های کلان و بلندمدت برای جلوگیری از بزهکاری و کاهش آن مدنظر قرار دارد. مسئولین دولتی نیز هر یک به فراخور وظیفه اجتماعی خود، نقش عمده‌ای دارند و اقدامات مستقلى را صورت می‌دهند. (زینالی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲)

### ۳. پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقداماتی است که با ایجاد تغییرات و اصطلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم بصورت پایدار و همیشگی است، پیشگیری مزبور در پی آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه با قواعد اجتماعی آشنا و همنوا سازد. به دیگر سخن پیشگیری اجتماعی علل و عوامل جرم را اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، وراثتی و... را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و از بروز فکر و تصمیم مجرمانه در ذهن افراد جلوگیری می‌کند. (میرخلیلی، ۱۳۹۲، ص ۳۵)

لذا این نوع پیشگیری، مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که به منظور کنترل یا حذف همه عوامل موثر بر تکوین جرم به ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه می‌پردازد. در این نوع پیشگیری ضمن شناسایی عوامل فردی و اجتماعی بزهکاری تلاش می‌شود مدیریت جامعه به گونه‌ای باشد تا تأثیر این عوامل، خنثی یا دست کم کاهش یابد. همه برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌تواند چنین جهت‌گیری‌ای داشته باشد.

در حقیقت، پیشگیری اجتماعی که کاهش یا از بین بردن علل فردی و اجتماعی اثر گذار بزهکاری را دنبال می‌کند و با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات پیشین درصدد شخصیت‌سازی و اثرگذاری بر فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد است به دو گونه «پیشگیری جامعه مدار» و «پیشگیری رشد مدار» تقسیم می‌گردد.

پیشگیری اجتماعی جامعه مدار که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیر کیفری بوده و مکتب تحقیقی (بویژه انریکو فری) نیز بر آن تأکید کرده است، شامل اقدامات اجتماعی، اقتصادی،

فرهنگی و پیش گیرنده می‌شود که نسبت به محیط‌هایی که فرد در آن‌ها زندگی و کار می‌کند اعمال می‌شود.

مبنای جرم شناختی پیشگیری اجتماعی از نوع جامعه مدار، شناسایی عوامل مختلف محیطی بزهکاری به منظور خنثی کردن یا دست کم، کاهش آنهاست. در واقع پیشگیری جامعه مدار از بزهکاری با بهبود شرایط زندگی در یک محیط معین بطور مستقیم بر رفتار مجرمانه تأثیر می‌گذارد. و به دیگر سخن در این نوع پیشگیری، مطالعه منابع بزهکاری و شناسایی علل آن که با ساختار و تشکیلات جامعه ارتباط پیدا می‌کند در اولویت قرار می‌گیرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۰)

تغییر اوضاع و احوال نامساعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی بزهکار و منحرف پروری، که در هر حال زمینه کنار گذاری فرد را از جامعه (اجتماع زدایی) فراهم می‌کنند. فقر، بیکاری، نارسایی خدمات عمومی، اشتغال کاذب، سو اشتغال، بیماری، بی سوادی، حاشیه نشینی، بی مسکنی و... و نیز عوامل روانی جامعه شناختی و فردی به ویژه شرایط نامطلوب خانواده که شکست‌های عاطفی، تربیتی و تحصیلی اطفال را فراهم می‌آورند، هسته اصلی این شکل از پیشگیری غیر کیفی را تشکیل می‌دهند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۰)

منظور از پیشگیری اجتماعی رشد مدار مداخلاتی است که برای جلوگیری از رشد پتانسیل جنایی در افراد صورت می‌گیرد، به ویژه مداخلاتی که هدف آن‌ها عوامل خطر بزهکاری و عوامل حمایت کننده‌های است که در تحقیقات درباره رشد انسان کشف شده اند.

پیشگیری اجتماعی رشد مدار که پیشگیری زود هنگام (زودرس) نیز گفته می‌شود، درصدد است با تدابیر روانی-اجتماعی پیشگیرانه نسبت به اطفال و نوجوانانی که با توجه به شرایط خانوادگی، محلی، تحصیلی و غیره در سنین پایین و نامتعارف در موقعیت‌های بحران و انحراف در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌گیرند و یا در برخی موارد مرتکب انحراف‌هایی می‌شوند که به عنوان جرایم مانع جرم انگاری شده‌اند (مانند ولگردی، تکدی، فرار از خانه، اعتیاد و...) و یا مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌شوند و بنابراین بیم آن می‌رود که بزهکاری در آنان مزمّن و پایدار شده و در آینده (دوران بزرگسالی) به بزهکاران به عادت یا تکرار کننده جرم تبدیل شوند به صورت

افتراقی اعمال و به اجرا گذاشته می‌شود. در پیشگیری رشد مدار با شناسایی اطفالی که زودتر از سنین معمول رفتارهای ناسازگارانه، منحرفانه و مجرمانه از خودشان نشان داده‌اند، تلاش می‌شود تا ضمن شناسایی خلاها و کمبودها یا مشکلات عاطفی، تربیتی، تحصیلی، فرهنگی و غیره که به این دسته رفتارها منجر شده‌اند، با خود آنان، یا در صورت لزوم با اعضای خانواده آنان، معلمان و همکلاسی‌ها در مدرسه، همسایگان در محله، گروه همسالان و همبازی‌ها و... برخورد متناسب صورت گیرد. بنابراین، در پیشگیری اجتماعی رشد مدار علاوه بر خود منحرف یا بزهکار ممکن است والدین، دوستان، همکلاسی‌ها، آموزگاران و غیره نیز مشمول اقدام‌ها و مداخله‌های روانی- اجتماعی شوند که هدفشان پیشگیری از مزمن، پایدار و مقاوم شدن جرم در آینده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸)

چنانکه در قوانین عراق نیز مشابه چنین رویکردی مورد استفاده قرار گرفته است. به این معنا که اقدامات و تدابیر پیشگیرانه برای محافظت از شهروندان عملاً شرایطی ایجاد می‌کند که در اجتماع با مداخله‌های اجتماعی و احتیاطی جرائم به حد اقل برسد. (خدمة التدابیر الوقائیة لحماية المواطنين، ۱۹۷۸، ماده ۴)

#### ۴. پیشگیری وضعی

همچنان که از نام «پیشگیری وضعی» پیداست، پیشگیری وضعی، در صدد است که وضعیت فرد مجرم را تغییر دهد. این تغییر وضعیت می‌تواند در حیطه زمانی یا مکانی باشد و نتیجه این تغییر وضعی، پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرم خواهد بود. این نوع پیشگیری عبارتی دیگر از پیشگیری موقعیت مدار است.

بنابراین، پیشگیری وضعی، در حقیقت، وضعیتی ایجاد می‌کند که تحقق عملکرد مجرمانه را عملاً غیر ممکن یا سخت و پرخطر می‌سازد.

هدف از پیشگیری وضعی، ایجاد وضعیتی است که در آن مجرم به رغم تصمیم به ارتکاب عملکرد مجرمانه، از محقق کردن قصد خود ناتوان شود. این نوع پیشگیری با سه امر مرتبط است: فرد بزهکار، فرد بزه دیده و اوضاع و احوال و محیط ارتکاب جرم. لذا



بزهکار به عنوان محور اصلی جریان و ضوع عملکرد مجرمانه در طول تاریخ هدف مبارزه کیفری علیه پدیده مجرمانه بوده است. در دوره انسانی و دادگستری عمومی همیشه بزهکار به عنوان محور شرارت و بزهکاری مورد توجه واقع شده است. «(کی نیا، بی تا، ص ۱۶-۱۷)

این نوع پیشگیری در سیاست‌های مطرح شده در قوانین اساسی ایران و عراق به فواصل مختلف بیان شده است. چنانچه در اصل سوم قانون اساسی ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای رسیدن به اهداف اصل دوم (از قبیل: ... کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا و ...) همه امکانات خود را برای ایجاد محیط مساعد جهت رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی و همچنین بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی و تقویت روح بررسی و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و فرهنگی به کار ببرد. (اصل سوم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸، ۰۹، ۱۲ یا اصلاحات و الحاقات بعدی) همچنین در باب اول موسوم به المبادی الاساسية در ضمن ماده یک تا سیزده همچنین در باب دوم تحت عنوان الحقوق و الحريات در ضمن دو فصل جهت پیشگیری از جرائم اجتماعی، اقتصادی و سایر انواع جرائم، به تدابیر مشابهی با قوانین ایران پرداخته شد. (دستور العراق، الصادر عام ۲۰۰۵)

### نتایج تحقیق

با توجه به مطالب مذکور یافته‌های ذیل به ذهن متبادر می‌شود:

۱- در نتیجه تعاریف مختلف، می‌توان به این نقطه رسید که جرم اخلاقی به جرائمی اطلاق می‌شود که بر علیه گزاره‌های اخلاقی و مکارم اخلاقی در قانون، عرف و شریعت است. مصادیق جرائم اخلاقی بر اساس نوع آنها در قالب چندین مصداق قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در قالب‌هایی مانند جرم ارتباطات نامشروع، تظاهر کردن به عملکردهای حرام یا جریحه دارکردن عفت عمومی، تولید محتوا بر علیه عفت و اخلاقیات عمومی، جرائم رایانه‌ای یا مزاحمت‌های تلفنی، تولید، پخش و انتشار محتوایاتی که مستهجن



است همچنین تشویق به فساد یا ایجاد مراکز فحشا و فساد در زیر مجموعه یا مصداق‌های بارز جرائم اخلاقی قرار می‌گیرد.

۲- یکی از یافته‌های پژوهش در جهت پیشگیری است. در حقیقت، پیشگیری از تکرار جرم به معنای مجموعه سازوکارهای قانونی، جامعه‌شناختی، آموزشی، فرهنگی و دیگر سازوکارها است که در واقع به جلوگیری از وقوع مجدد همان جرم توسط مجرمی که برای یک بار آن را انجام داده به کار می‌آید.

۳- از منطوق قوانین ایران، پیشگیری کردن از این تکرار از وظایف قطعی قوه قضائیه است. زیرا قوه قضائیه در واقع مدیر سازمان زندانهاست و وقتی زندانی وارد زندان می‌شود می‌توان در رابطه با او آموزش‌ها و تربیت‌هایی انجام داد که عملاً تکرار جرم را مرتکب نشود. لذا در بند چهار و پنج اصل صد و پنجاه و شش قانون اساسی، به پیشگیری کیفری از تکرار جرم می‌پردازد که نوعی از سیاست قانونی کشور ایران در قبال تکرار جرم و جلوگیری از تکرار جرم است.

۴- در منطوق گزاره‌های قانونی کشور عراق نیز موارد مرتبط با پیشگیری و حفظ عفاف وجود دارد. به این معنا که قانونگذار برای حفظ اخلاق جامعه از زوال و در چارچوب حمایت قانونی از برخی از گروه‌های سنی و حفظ عفاف عمومی و برای دستیابی به ثبات اجتماعی و اخلاقی در کشور با جرم‌انگاری برخی از اعمال در تحقق این امر نقش خود را ایفا می‌نماید. به عنوان مثال در ماده ۳۹۹ در قالب جرائم اخلاقی در فصل نهم کتاب دوم قانون مجازات مذکور مثلاً تحریک به فسق یا انجام فسق را جرم‌انگاری نموده است.

۵- افزون بر یافته‌های مذکور، می‌توان به این نکته دست یافت که در حیطة و محدوده منافی عفت، اختلاف نظر موجود است. با این وجود، این دیدگاه که اعمال منافی عفت اعم از هتک ناموس یا هتک عفت و جریحه دار کردن عفت عمومی است، وجهه بهتری دارد. اگرچه تعریف و تبیین که در حال حاضر و در حیطة عملکرد از این جرم وجود دارد به معنای هر گونه عملی است که به لحاظ اخلاق حسنه و مذهب و رویه رایج جامعه، مورد تقبیح قرار می‌گیرد. به طوری که به گونه‌ای هنجارهای رایج جامعه نادیده گرفته شود و افراد جامعه از دیدن، شنیدن یا خواندن آن ناراحت شوند لذا جریحه دار کردن عفت عمومی در واقع مرتکب شدن عملکردی است که به

نوعی ابراز کردن تمایلات جنسی در مکان های عمومی است مانند ارتباط با جنس مخالف، گفتار و رفتار یا نشان دادن تصاویر نشان دهنده تمایلات جنسی و مخالف عفاف

### پیشنهادات

۱. توسعه و بهبود سیاست های جنایی تقنینی در قبال جرائم اخلاقی، به ویژه جرائم بر علیه عفت زنان، برای تامین عدالت و حفظ ارزش های اخلاقی جامعه ضروری است.
۲. توسعه و ارتقاء آگاهی و آموزش های قانونی درباره جرائم اخلاقی، به ویژه به زنان و جوانان، می تواند به کاهش این جرائم و تقویت ارزش های اخلاقی در جامعه کمک کند.
۳. تعیین مجازات های منصفانه و مناسب برای جرائم اخلاقی، با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی هر کشور، می تواند تاثیر مثبتی در جلوگیری از این جرائم داشته باشد.



## منابع

۱. امین، محمد صالح، بی تا، آراء و ملاحظات فی قضاء الاحداث فی العراق، کلیه قانون جامعه اهل البيت، العدد الخامس.
۲. آریانپور کاشانی، عباس، (۱۳۶۵)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. احمدپور، مهدی، (۱۳۹۵)؛ فقه و اخلاق اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۵. اسلامی، رضا، (۱۳۸۹)، مدخل علم فقه، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۶. اعزازی، شهلا، (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۷. آماده، غلامحسین. (۱۳۸۹). اختیارات قضایی در تعیین مجازات. تهران: دادگستر.
۸. تزرغان، فاطمه (۱۳۹۸) نشست زنان خاموش، پایگاه تخصصی وسائل
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش..
۱۰. - جعفری لنگرودی (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۱۱. الحر العاملی، محمد بن الحسن، (۱۲۶۹م). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، طهران: به سعی و اهتمام حاج عبدالمحمد و حاج محمد قاسم.
۱۲. حسینی، سیدابراهیم. (۲۰۱۸م). نقش قوانین در پیشگیری از جرمها و آسیب های اجتماعی. مطالعات اسلامی آسیب های اجتماعی.
۱۳. حومد، عبدالوهاب، (۱۹۹۰م)؛ المفصل فی شرح قانون العقوبات - القسم العام (المطبعة الجديدة، دمشق).
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۷ق)، مصباح الاصول، تقریر: سیدمحمد سرور واعظ حسینی، قم: انتشارات داوری.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم
۱۶. حلی، جعفر بن الحسن، (۱۴۰۹ق) شرائع الاسلام، تهران: نشر استقلال، چاپ دوم.
۱۷. حسنی، محمود نجیب، (۱۹۸۸م) شرح قانون العقوبات القسم الخاص،، قاهره: دارالنهضة العربیه.
۱۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲) ترمینولوژی حقوق، تهران:

- انتشارات گنج دانش.
۱۹. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، (۱۳۸۰). مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت ها و رویکردها (۲)، قم.
۲۰. ژان گیرویکارد، برناردهور کادویان ریشار (۱۳۸۸) ایران در قرن بیستم، ترجمه مهدوی، علیرضا.
۲۱. زراعت، عباس (۱۳۸۰) قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، تهران: نشر ققنوس.
۲۲. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، (۱۳۸۱)، فقه و قانونگذاری، قم: انتشارات سپهر، چاپ اول.
۲۳. شیری، عباس، (۱۳۹۰)، نقد و بررسی لایحه پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۲.
۲۴. شهری، غلامرضا (۱۳۸۰) نظریات اداره حقوق در زمینه مسائل کیفری، تهران: نشر سروش.
۲۵. قدسی، زهرا، مجتهد سلیمانی، ابوالحسن (۱۳۸۹) جرائم رایانه ای علیه عفت و اخلاق در حریم خانواده به ویژه قوادی و پورنوگرافی، نشریه فقه و حقوق خانواده، شماره ۵۳.
۲۶. القهوجی، علی عبدالقادر، ۲۰۰۲، قانون العقوبات القسم الخاص، بیروت.
۲۷. میر خلیلی، سید محمود، ۱۳۸۸، پیشگیری وضعی از بزهکاری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۸. نجفی توانا، علی، (۱۳۷۷) جرم شناسی، تهران: انتشارات خط سوم.
۲۹. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۰) حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

### قوانین و مقررات

۱. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲
۲. قانون اساسی ایران، تاریخ تصویب : ۱۳۸۷/۰۳/۲۵
۳. قانون العقوبات العراقی، لسنة ۱۹۶۹.
۴. دستور العراق الصادر عام ۲۰۰۵م.
۵. قانون مجازات ایران، مصوب ۱۳۹۲.
۶. قانون المحكمة الجنائية العراقية العليا رقم (۱۰)، لسنة ۲۰۰۵.
۷. قانون العقوبات العراقی، رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹.
۸. قانون المحكمة الجنائية العراقية العليا رقم (۱۰) لسنة ۲۰۰۵.
۹. قانون خدمة التدابير الوقائية لحماية المواطنين، عملاً بأحكام المادة الرابعة من قانون الدفاع المدني رقم (۶۴) لسنة ۱۹۷۸ المعدل

- واستنادا للصلاحيية المخولة لنا بموجب المادة الثانية منه قررنا تشكيل خدمة التدابير الوقائية لحماية المواطنين.
١٠. قانون تعديل الغرامات الواردة بقانون العقوبات رقم ١١ لسنة ١٩٦٩ المعدل والقوانين الخاصة الاخرى
  ١١. دستور العراق الصادر عام ٢٠٠٥م.
  ١٢. دراسات حول الدستور العراقي (٢٠٠٨)، بغداد، موسسه آفاق للدراسات و الابحاث العراقيه الدستور العراقي الدائم.
  ١٣. نقض سوري جنائية /٢٥٣/ قرار/٢٠٧/ تاريخ ١٩٧٦/٢/٢١.

